



محمود آیتا... زاده دزفولی

نگارخانه کتاب پروین اعتصامی

پروین اعتصامی، همراه با کتاب‌شناسی توصیفی
دکتر روح انگیز کراجی
انتشارات داستان سرا، ۱۳۸۳
چاپ اول، ۲۸۰ صفحه

درباره زندگی و آثار شاعره پرآوازه ایران، خانم پروین اعتصامی، تاکنون چندین کتاب و دهها مقاله و پایان‌نامه تحصیلی و پژوهش ادبی نوشته شده که هر کدام از آنها در جای خود حائز اهمیت و شایان بحث و بررسی‌اند، لکن در این مقاله فعلاً به یکی از آخرین و روش‌مندانترین کتاب‌هایی که در مورد شخصیت فردی، اجتماعی و ادبی ایشان نوشته شده، می‌پردازیم که خوشبختانه توسط شاعرهای دیگر نوشته شده است، ولی قبل از آن بگویم که در دوران کودکی کتاب نسبتاً قطوری در خانه داشتیم که کلیات اشعار بانو پروین اعتصامی مشتمل بر قصاید، قطعات، مثنوی‌ها و ... با مقدمه و تقریظی از استاد ملک الشعرای بهار در آن مندرج بود. کتاب خوب و مفیدی که توسط برادر بانو پروین - ابوالفتح

اعتصامی - تهیه و تألیف شده بود و من خوشبختانه هنوز پس از چند دهه و علی‌رغم گذر زمان و تحول شرایط مکان آن را دارم و گاه‌گاه به آن مراجعه کرده و آن اشعار مهربان ساده‌دلنشین را بازخوانی می‌کنم. به یاد دارم ضمیمه‌های هم با همان رنگ و نوع جلد و آستر بدرقه مقوایی و کاغذ محافظ شفاف داشت که به طور جداگانه چاپ شده بود و نظریات و نقدها و اسفنامه‌های صاحب‌نظران آن زمان - مندرج در جراید مختلف - به مناسبت درگذشت و اولین سال وفات او را در برمی‌گرفت. دو عکس سیاه و سفید هم از آن بانو (یکی با روسری و دیگری با کلاه) به طور خیلی روشن و شفاف در آن چاپ شده بود و دو نمونه از دست خط دلنشین پروین هم گراور شده بود. یکی آن شعر معروف که در رثای پدر گفته بود:

پدر آن تیشه که زد بر سر تو دست اجل

تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من

یوسف‌ت نام نهادند و به گرگت دادند

مرگ گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من

قطعه زیبا و اثربخشی که از زبان دختری حساس و پرعاطفه نسبت به از کف دادن پدری فرهیخته، ادیب، استاد، روزنامه‌نگار، مترجم و بالاتر از همه معلمی که تمام هم و غم خود را برای تربیت و تعلیم دختر عزیز خود به کار برده بود، سروده شده است. قطعه دیگر هم آن شعر مشهور و زیبا بود که پروین در مورد خودش و شعرهایش به جذابیت و ظرافت تمام و در کمال تواضع و سعه صدر سروده بود:

به باغ نظم که هرسو گل و بهاری بود

نهال طبع مرا نیز برگ و باری بود

چکامه و سخن من به صفر پیمان‌ت

که در برابر اعداد در شماری بود

امید هست که کارآگهانش بپذیرند

به کارگاه امل هر چه بود کاری بود...

من این ودیعه به دست زمانه می‌سپرم

زمانه زرگر و نقاد هوشیاری بود

پروین مصداق کامل همین بیت واقع‌گرای و پرمعنای اوست که اینک پس از گذشت یک‌صدسال از تولد و شصت و پنج سال از وفاتش شعر او بیش از پیش مطمح نظر شعردوستان و ادب پژوهان قرار گرفته و زندگی و آثارش مورد بحث و بررسی و مذاقه همه‌جانبه واقع شده است و به گمان من هر چه درباره شعر و زندگی این بانوی نازنین و فراموش‌نشدنی گفته شود، هنوز هم کافی نیست.

مؤلف کتاب پروین/اعتصامی خانم روح‌انگیز کراجی بانویی فمینیست نیست، اما به سبب وفاداری‌اش به جنس زن و علم به اینکه زن ایرانی در طول تاریخ مورد انواع مظلوم، حق‌کشی‌ها، ناسپاسی‌ها و عقب‌نگهداشته شدن‌ها بوده، همت خود را مصروف جبران مافات کرده و قصد آن دارد که این مظلومان تاریخ را در حد توان خود بشناساند.

ماحصل این قصد و نیت، کتاب *اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه* است که تحقیقی ادبی درباره شاعرگانی است که در مقابل مسائل سیاسی و اجتماعی دوران اواخر قاجاریه بی تفاوت نمانده و در بر ملا کردن تعدیات و ستم‌های ضد انسانی حاکمان زمان، با شعرهای خود ایستادگی و کوشش ارجمند داشته‌اند. قبل از کتاب *پروین اعتصامی، کتاب‌شناسی توصیفی آن شاعره ارجمند* را نیز منتشر کرده بود. کتاب‌های دیگری در ردیف تریلوزی یا سه‌تایی: *پروین اعتصامی، فروغ فرخ‌زاد و عالم تاج قائم مقامی* منتشر کرده که در آنها جداگانه به آن سه شاعره مهم ایرانی می‌پردازد و طی تحقیق و نقدهایی کوتاه اما رسا زندگی و آثار آنها را بررسی کرده است.

خانم کراچی در کتاب *پروین اعتصامی بازنگری اشعار و پژوهش در آنها* را از زاویه‌های مختلف، ضرورتی فرهنگی می‌داند و می‌افزاید: «مبارزه بی‌بیاپو، گفت‌وگوهای تازه و برخورد خردمندانه در فرهنگی استبدادی، هنجارشکنی در حوزه آیمیسیم (جاندار پنداری)، مضمون‌ها، محسوسات و عواطف زنانه، آگاهی فرهنگی، ساخت بیان پیوند مناسب موضوع‌های بدیع و ساختاری کلاسیک، ویژگی‌های شعری و رفتاری پارسا زنی است که در دوره ضد ارزش‌ها، دغدغه اخلاق جامعه را داشت و در چهار راه نگرانی‌ها و دلواپسی‌های زنانه به مشایعت ادبیات اخلاقی رفت و در رأس ادبیات اندرزی قرار گرفت» (ص ۱- پیش سخن).

ما می‌دانیم که مقوله و عطا و اندرز یکی از ژانرهای همیشگی و مکرر و وسیع ادبیات منظوم ایران است که از درخشش اولین بارقه‌های شعر دری تاکنون همیشه، شاعر در عین حال واعظ و اندرز دهنده و اندازگر هم بوده است. نمونه کامل آن بوستان سعدی و مثنوی مولانا و دیگر و دیگر ... من نمی‌خواهم در این مقوله وارد شوم که آیا وظیفه شاعر اندرز و نصیحت و انداز است و آیا این همه پند و اندرزها در طول تاریخ اجتماعی ایران مفید و کارساز بوده‌اند یا نه؟ می‌خواهم بگویم شعر می‌تواند شعر باشد، حتی اگر پند و اندرز بگوید. باید اول دید که شاعر کیست و آنچه می‌گوید چیست و چه سنخیتی با شعر دارد. بسیاری از نظم‌هایی که متضمن نصیحت و پند و اندرز هستند، اولاً نه ارزش اجرا و اتباع را در هر زمانی دارند و نه اصولاً شعر هستند و صبغه هنری و ادبی دارند. برخی از نصیحت‌های سعدی شاید اینک دیگر کاربرد عملی نداشته باشند و اساساً حتی ضررشان بیش از منفعتشان باشد. خانم پروین اعتصامی قبل از این که یک ناصح مشفق باشد، یک منتقد دلسوز اجتماعی است. فقر و فساد و تباهی حاکم بر جامعه زورمدار را برملا می‌کند و شاهان و حاکمان و بازرگانان زراندوز و قاضیان مزور را به رسوایی می‌کشاند. او از آنها نمی‌خواهد سکه‌ای به عنوان صدقه به فقیران و رنجبران و درماندگان بدهند، بلکه شئامت کارشان را به رُخشان می‌کشد و آنها را از خشم خونین توده‌ها می‌ترساند. ترخم‌ها و بخشش‌های تحقیرآمیز را بر نمی‌تابد و از صاحبان زر و زور می‌خواهد به خود بیایند و حق مظلومان و واپس‌زدگان را به آنها بازگردانند. او بانویی

مهربان، مردم دوست و پرعاطفه است که تقریباً در تمام شعرهایش این مهرورزی، عطوفت، رأفت و دلشوره اجتماعی و جانبداری از مردم را با زبانی ساده، رسا و در عین حال ادبی می‌بینیم.

کتاب حاضر مشتمل بر دو بخش اصلی است که در بخش اول جزئیات زندگی کوتاه، اما پُر بار پروین را ارائه نموده، اندیشه‌های اندوهگین و معصوم او را و نوآوری‌های پنهانش را و ذهنیت اخلاقی او را توصیف می‌کند. ارتباط زبان شعر را با دنیای زنانه برمی‌رسد و در پایان این بخش شعر زنان شاعر ایرانی را معرفی می‌کند.

در بخش دوم با عنوان در «ساحت داوری» کتاب‌شناسی توصیفی آثار پروین و نیز کتاب‌ها و مقالاتی را که درباره او منتشر شده به طور سیستماتیک فهرست می‌نماید و از آنچه درباره او گفته و نوشته‌اند، سخن به میان می‌آورد.

خانم پروین اعتصامی به دلایل متعدد همیشه مورد احترام و تحسین اهل قلم و اصحاب جراید بوده است. شاید دلیل عمده او ارزش ادبی اشعارش و کم سابقه بودن حضور شاعرهای به این اهمیت و لیاقت در تاریخ ادبی ایران است و نیز روحیه نجیب، پاک و پارسای او. همچنان که خود در سراسر اشعارش عاطفه‌ای زلال و مهر و خلوصی ناب را ارائه می‌نماید. خوانندگان آثار و مخاطبینش نوعاً با او و شعرش برخوردی عاطفی، مهربان و احترام‌آمیز داشته‌اند.

البته شخصیت والای پدرش و تقریظ استاد بهار و عوامل دیگر هم بی‌تأثیر نبوده و کمتر مقاله یا کتاب و جزوهای را به یاد دارم که نسبت به پروین بیانی معترض یا موهن داشته باشد، جز کتاب *تهمت شاعری* که در سال ۱۳۵۶ توسط شخصی به نام فضل الله گرکانی منتشر شد و در آن شخصیت ادبی پروین با عبارات و مطالبی دشمنانه و نه منتقدانه توصیف شده بود. اما در مقابل، بسیاری از استادان و ادیبان او را «پروین آسمان ادب ایران» خوانده‌اند.

پایان بخش کتاب ۲۷۶ صفحه‌ای *پروین اعتصامی اسناد و مدارکی است* که به صورت مکتوب و مصور از رونوشت شناسنامه تا گواهی تحصیلی در مدرسه عالی آمریکایی دختران تهران و نشان علمی و قرارداد استخدام در کتابخانه دانش‌سرای عالی تهران و نهایتاً اجازه دفن در مقبره پدر در قم و نمونه‌هایی از خط زیبا و انشای ساده و جذابی آمده است.

کار ستوده دیگری که مؤلف در تهیه و تألیف این کتاب انجام داده، ارائه چکیده نقدهایی است که صاحب نظران و منتقدان از استاد ملک الشعراء بهار گرفته که در سال ۱۳۱۴ شمسی بر دیوان او نوشته و نیز علامه قزوینی که در همان سال و در همین ارتباط نگاشته تا آخرین نقدهایی که پس از سال ۱۳۸۰ شمسی در نشریات و مجلات مختلف منعکس شده است. کتاب‌شناسی پروین (Bibliography) به زبان انگلیسی هم در آخر کتاب آمده است.